



سیاست خارجی ایران و فرانسه

تاملی بر فراز و نشیب‌ها



ولی کوزه‌گر کالجی
پژوهشگر در حوزه مطالعات بین‌المللی

آمریکا در تهران، تصمیم فرانسه در جلوگیری از ارسال سه ناوچه تندرو که در زمان شاه سفارش داده شده بود و... بر تیرگی روابط تهران - پاریس افزود. رویداد بزرگی که موجب شکاف هر چه بیشتر دو کشور را در پی داشت، آغاز جنگ ویرانگر هشت‌ساله ایران و عراق در شهریور سال ۱۳۵۹ بود. در مجموع می‌توان موضع‌گیری فرانسه در قبال حمله عراق به ایران را به دو مقطع تقسیم نمود: مقطع اول از ابتدای تجاوز عراق به ایران بود که به دلیل ضعف نیروهای نظامی ایران، دولت فرانسه موضع بی‌طرفی اتخاذ نمود و خواستار پابندی دو طرف به قراردادهای تسلیحاتی شد. اما در مقطع دوم به دلیل از بین رفتن توازن قوا در جبهه‌ها و برتری نیروهای نظامی ایران، دولت میتران حمایت گسترده خود از عراق را اعلام نمود. در این زمان میتران در جریان سفر به مصر در سال ۱۳۶۱ صریحاً اعلام نمود که: «ما مایل نیستیم عراق در جنگ مغلوب شود. موازنه نظامی باید میان جهان عرب و ایران حفظ شود». در راستای سیاست نوین الیزه، روند تحویل تجهیزات نظامی به عراق آغاز گشت که از جمله آنها می‌توان به فروش پنج فروند هواپیمای سوپراستاندارد مجهز به موشک‌های آگزوسه و امضای قرارداد نظامی با عراق در جریان سفر طاروق عزیز به پاریس در سال ۱۳۶۲ هجری شمسی اشاره نمود. در مجموع عراق از سال ۱۳۵۶ تا ۱۳۶۴ حدود ۸۱۱ میلیارد دلار جنگ‌افزار مدرن از فرانسه خریداری نمود که بهای سنگین آن را با فروش نفت به فرانسه پرداخت.

اسلامی تا سال ۱۳۵۹ و دوره انتقالی تغییر قدرت در ایران، سیاست‌های میانه‌رو دولت مهندس بازرگان و شناسایی انقلاب ایران از سوی دولت فرانسه و... روابط دو کشور از سطح مطلوب و مناسبی برخوردار بود. اما سیر تحولات پرشتاب در فضای انقلابی ایران از یک سو و تغییر دولت در پاریس که منجر به روی کار آمدن ژاک شیراک سوسیالیست گردید، فضای حاکم بر روابط دو کشور را به سمت دیگری هدایت نمود.

ب) فرانسوا میتران، حمایت رقیب در جنگ نابرابر

با پیروزی سوسیالیست‌ها در انتخابات ریاست جمهوری فرانسه در سال ۱۹۸۱ میلادی، فرانسوا میتران قدرت را در کاخ الیزه به دست گرفت و جهت‌گیری‌های فرانسه در عرصه سیاست خارجی، دچار تحولاتی گشت. از سویی دیگر در جامعه انقلابی ایران با تنگ‌تر شدن فضای سیاسی برای جناح میانه‌رو و پررنگ‌تر شدن شعارهای انقلابی و وقوع حوادثی مانند اشغال سفارت آمریکا، سقوط دولت میانه‌رو مهندس بازرگان و برکناری بنی‌صدر از مسند ریاست جمهوری، موجب تحول اساسی در جهت‌گیری‌های داخلی و خارجی ایران گشت. در عرصه سیاست خارجی به موازات شعار «نه شرقی و نه غربی» که الزاماتی مانند نفی کامل و بدون قید و شرط سلطه بلوک شرق و غرب را به همراه داشت، حمایت ایران از ملت‌های اسلامی، جنبش‌های آزادی‌خواه و ملل جهان سوم و طرح مباحثی چون صدور انقلاب و اعلام دکترین ام‌القرآ و... ساختار نظام بین‌الملل را به چالش می‌طلبید. این سیاست از جانب قدرت‌های بزرگ مانند آمریکا و شوروی و همچنین فرانسه که در بلوک غرب قرار داشت، پذیرفته نبود. لذا سیاست‌های منفی فرانسه نسبت به ایران تقویت شد و همگام با سیاست دو ابرقدرت یعنی سیاست حفظ وضع موجود، الیزه را وادار به افزایش محدودیت‌ها و فشارهای محیطی علیه ایران نمود. در این میان رویدادهایی مانند اعتراض فرانسه نسبت به اعدام سران رژیم سابق در ایران، پذیرش بختیار در خاک فرانسه، اعطای پناهندگی سیاسی به ابوالحسن بنی‌صدر و رهبران سازمان مجاهدین از جمله مسعود رجوی، همراهی فرانسه با ایالات متحده در وضع تحریم‌های اقتصادی علیه ایران در پی اشغال سفارت

فرانسه با عنوان رسمی جمهوری فرانسه با وسعتی معادل یک سوم ایران، بزرگترین کشور اروپای غربی است. این کشور یکی از اعضای مؤسس سازمان ملل متحد، از اعضای دائم شورای امنیت و دارای حق وتو است. فرانسه از اعضای پر قدرت و تاثیرگذار نهادهای سیاسی و نظامی مانند اتحادیه اروپا، گروه هشت کشور صنعتی (G8) و پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) است. فرانسه در صحنه بین‌المللی به واسطه مکان‌های تاریخی و زیبایی چون برج ایفل، موزه لوور، کلیسای نوتردام و کاخ ورسای و... صاحب شهرت می‌باشد و علاوه بر آن در تاریخ اندیشه و فلسفه سیاسی با انقلاب کبیر ۱۹۷۹ و بزرگانی چون منتسکیو، ژان ژاک روسو و الکسی تودوکویل و آرمان‌هایی مانند آزادی، برابری، برادری (شعار ملی فرانسه) از جایگاه خاصی برخوردار است.

از زمان ظهور فرانسه به عنوان یک قدرت بزرگ و تاثیرگذار اروپایی، این کشور همواره از روابط گسترده‌ای با ایران برخوردار بوده که به مانند بسیاری از مناسبات دیپلماتیک در تاریخ ۳۰۰ سال گذشته، دربردارنده نقاط مثبت و منفی فراوانی است.

این نوشتار به صورت بسیار فشرده به فراز و نشیب‌های روابط ایران و فرانسه از مقطع پیروزی انقلاب اسلامی در ایران تا زمان حاضر می‌پردازد تا درک بهتری از روابط و پیچیدگی‌های حاکم بر این دو کشور تاثیرگذار خاورمیانه‌ای و اروپایی حاصل شود.

الف) ژیکاردستن، انقلاب ایران

همزمانی دوره ریاست جمهوری ژیکاردستن با دوره شکل‌گیری انقلاب اسلامی در ایران به عنوان یکی از مهمترین نقاط روابط ایران و فرانسه شناخته می‌شود. اقامت رهبر انقلاب ایران در نوفل لوشاتو و نقش رسانه‌های گروهی فرانسه در انعکاس پیام‌های انقلاب ایران، این کشور را به صورت جدی وارد اذهان ایرانیان ساخت. در این مقطع جراید فرانسوی انقلاب ایران را به انقلاب فرانسه تشبیه می‌کردند و روزنامه معتبری مانند لوموند آشکارا با چاپ مقاله‌ای تحت عنوان «ما در حال گذراندن سال ۱۹۷۹ (سال انقلاب کبیر فرانسه) هستیم، همراهی فکری مردم فرانسه با مفاهیم انقلاب ایران را منعکس نمود. در مجموع در فاصله کوتاه پیروزی انقلاب

به دنبال بروز تحولاتی مانند تصرف منطقه استراتژیک فاو توسط ایران و آغاز جنگ نفتکش‌ها در خلیج فارس از سوی عراق که موجب بین‌المللی شدن جنگ ایران و عراق گردید، فرانسه در کنار دیگر دولت‌های غربی از جمله ایالات متحده به بهانه وخامت روبه افزایش اوضاع و نیز اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت وارد منطقه خلیج فارس شد.

با فروکش کردن جنگ میان ایران و عراق و نیز روی کار آمدن هاشمی رفسنجانی در ایران، فضای جدیدی در عرصه سیاست خارجی ایران شکل گرفت. نیازهای شدید ایران به بازسازی ویرانی‌های جنگ و اقتصاد آسیب‌دیده موجب شد تا دولتمردان ایران سیاستی عمل‌گرایانه را در عرصه سیاست خارجی در پیش بگیرند. به موازات این سیاست حجم روابط اقتصادی ایران با کشورهای اروپایی از جمله فرانسه رو به بهبودی گذاشت. علی‌رغم آن که در عرصه سیاسی، ایران و اتحادیه اروپا در چارچوب «گفت‌وگوهای انتقادی» در صدد حل و فصل اختلافات و اعتمادسازی برآمدند، اما پیشرفت‌ها چشمگیر نبود و تحولی اساسی در روابط ایران با کشورهای غربی از جمله فرانسه ایجاد نشد و همچنان سایه سنگینی از بی‌اعتمادی در حوزه سیاسی بر روابط فی‌مابین حکمفرما بود.

ج) ژاک شیراک، تلطیف موقت

در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۹۹۵، حاکمیت چهارده‌ساله سوسیالیست‌ها بر الیزه پایان یافت و ژاک شیراک، شهردار سابق پاریس از حزب اتحاد برای جمهوری (RPR) با گرایش‌های راست به قدرت رسید. شیراک در تداوم سنت مارشال دوگل با تاکید بر هویت

در سطح منطقه‌ای، روابط دوجانبه میان دو کشور را نیز تحت تاثیر قرار دهد.

لزوم ترسیم فضای متفاوت در روابط

یک نگاه کلی به روابط ایران و فرانسه در طی سه دهه‌ی اخیر، روشن می‌سازد که علی‌رغم روابط گسترده اقتصادی و اجتماعی در عرصه سیاسی و مناسبات دیپلماتیک پیشرفت چندانی حاصل نشده است. تاکنون هیچ یک از روسای جمهور فرانسه به ایران مسافرت نکرده‌اند که این امر خود نشان‌دهنده‌ی این واقعیت است که روابط دو کشور در سه دهه‌ی گذشته همواره از یک سطح پویا و متعالی در عرصه سیاسی به دور بوده است. به عنوان یک واقعیت در روابط تهران پاریس باید به این نکته توجه نمود که دولت‌های مختلف فرانسه به ویژه دولت سارکوزی در عین گسترش روابط در زمینه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، علمی و اجتماعی از لحاظ سیاسی علاقه‌مندی چندانی به گسترش روابط نشان نمی‌دهد و در بهترین وضعیت می‌توان آن را نوعی مدارای سیاسی از جانب این کشور تعبیر و تفسیر نمود.

در این میان نباید تاثیر منفی لابی قدرتمند اسرائیل در فرانسه را از نظر دور داشت که نقش بسیار موثری در ایجاد تنش و بحران در روابط ایران و فرانسه ایفا می‌کند. حمایت سنتی و پایدار ایران از ملت فلسطین در مناقشه‌ی اعراب و اسرائیل و نیز طرح مساله هولوکاست باعث حضور پویای لابی اسرائیل در اتخاذ جهت‌گیری‌های سرسختانه رهبران الیزه علیه ایران شده است.

در حال حاضر، اگر چه فرانسه در کنار آلمان و ایتالیا از مهمترین شرکای اقتصادی ایران در اروپا به شمار می‌رود و میزان تبادلات تجاری دو کشور سالانه در حال رشد است، اما روابط سیاسی فی‌مابین همچنان شکننده و آسیب‌پذیر است. غلبه بر این وضعیت، مستلزم توجه مستمر به مدیریت سیاسی روابط دوجانبه می‌باشد. شروع دور جدید فعالیت‌های دیپلماتیک نمایندگی می‌تواند به نقطه عطف جدیدی در روابط ایران و فرانسه تبدیل شود. این امر مستلزم فضا سازی اولیه جهت ترسیم تصویری متفاوت‌تر و بستر سازی مناسب برای گذر تدریجی از مشکلات و تنش‌های پیشین می‌باشد. بدیهی است بدون هماهنگی و مساعدت متقابل نهادها و وزارتخانه‌های ذی‌ربط و نیز اعمال نظارت و مدیریت کلان بر مناسبات تهران با پاریس، نمی‌توان به موفقیت کامل در این زمینه امید بست.

(کلیه منابع در دفتر ماهنامه محفوظ است)

ممامداریش و نیز ژاک شیراک از این سنت در دیپلماسی پیروی کرده‌اند.

در همین مقطع روی کار آمدن آنجلا مرکل در انتخابات عمومی سال ۲۰۰۵ در آلمان و همراهی دولت جدید با نومه‌حافظه‌کاران واشنگتن موجب تقویت دیدگاه‌های امریکا در صحنه سیاسی اروپا گردید. برآیند تقویت چنین دیدگاه‌هایی در محور برلین - پاریس را می‌توان تضعیف جایگاه تروئیکای اروپایی متشکل از سه کشور آلمان، فرانسه و بریتانیا برای حل و فصل پرونده هسته‌ای ایران و شکل‌گیری گروه ۵+۱ به جای آن دانست که این امر به نوبه‌ی خود، فشار بسیار شدیدی را متوجه سیاست خارجی ایران نمود.

از سویی دیگر روی کار آمدن دولت اصول‌گرا در ایران و حاکم شدن گفت‌وگو ایدئولوژیک و آرمان‌گرایانه که توأم با به چالش کشیدن شدید غرب، موجب بروز دور جدیدی از چالش در روابط ایران و فرانسه گردید. همزمانی این تحولات در تهران با تغییر در سیاست‌های پاریس در دوره سارکوزی در همراهی بیشتر با سیاست‌های واشنگتن، شکاف و سردی روابط تهران - پاریس را دوچندان نمود. در مجموع می‌توان چنین استدلال کرد، از آن جا که فرانسه در سطوح بین‌المللی و منطقه‌ای سیاست خارجی فعال‌تر و پویاتری را در پیش گرفته و به ویژه در سطح منطقه‌ای همگام با سیاست‌های آمریکا در جهت ایجاد نظمی حرکت می‌کند که مطلوب آمریکاست، روابط میان دو کشور ایران و فرانسه بیش از پیش تنش‌آلود خواهد شد. می‌توان انتظار داشت که برخوردهای دو کشور



مستقل فرانسوی در راستای احیای قدرت و جایگاه فرانسه و نیز تقویت اتحادیه اروپایی گام برداشت. با فاصله‌ای اندک از این تحول سیاسی در پاریس، در جریان انتخابات ریاست جمهوری ۱۹۹۷ در ایران نیز سید محمد خاتمی میانه‌رو، قدرت را در دست گرفت. با روی کار آمدن اصلاح‌طلبان در ایران در خرداد ۱۳۷۶ و حاکم شدن گفت‌وگو تنش‌زدایی و گفت‌وگو تمدن‌ها، روابط ایران با جهان غرب به صورت عام و با فرانسه به صورت خاص رو به بهبودی نهاد. طرح گفت‌وگو تمدن‌ها از سوی خاتمی و سفر رییس جمهور وقت ایران به پاریس و در پی آن تشدید مراودات دیپلماتیک میان تهران و پاریس، به تقویت روابط میان دو کشور کمک چشمگیری نمود.

در صحنه سیاسی اروپا نیز، این دوران با روی کار آمدن حزب سوسیال دموکرات به رهبری گرهارد شرودر در آلمان مصادف گردید. شرودر با تقویت اتحادیه اروپا ایجاد محور پاریس - برلین و نیز برلین - پاریس - مسکو در صدد درآمد تا جایگاه آلمان و اروپا را در مقابل سیاست‌های یک‌جانبه واشنگتن احیا نماید که اوج این خطمشی را می‌توان مخالفت شرودر و شیراک با حمله ایالات متحده به عراق برشمرد. این وضعیت یک فضای تنفس و حایلی را بین ایران و ایالات متحده ایجاد نمود و موجب کاهش فشار این کشور بر ایران گردید. در موضوع هسته‌ای نیز آلمان به همراه فرانسه و بریتانیا با تشکیل تروئیکای اروپایی تلاش نمود از نظامی شدن این موضوع جلوگیری نماید. اما این روند با روی کار آمدن آنجلا مرکل در آلمان و سارکوزی در فرانسه سمت و سویی دیگر گرفت و دور جدیدی از چالش در روابط ایران با اتحادیه اروپا در سطح کلی و به تبع آن با فرانسه در سطح روابط دوجانبه شکل گرفت.

د نیکولاس سارکوزی ، تنش دوچندان

پیروزی سارکوزی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۷ میلادی، نشانه مشروعیت یافتن اندیشه‌های اقتصادی و نگرش سیاسی راست شمرده می‌شود. انتخاب سارکوزی یادآور انتخاب مارگارت تاچر در ۱۹۷۹ و رونالد ریگان در سال ۱۹۸۰ بود که نماد راست‌گرایی در بریتانیا و آمریکا به شمار می‌رفتند. پیروزی سارکوزی موجب تحولات گسترده‌ای در عرصه سیاست داخلی و خارجی فرانسه گردید. به موازات پیگیری سیاست‌های راست هویتی بر پایه شناسایی ضرورت نگه داشت و تقویت ارزش‌های هویتی و ملی در جامعه فرانسه در مقابل نسل دوم مهاجران، در عرصه سیاست خارجی، فاصله گرفتن از سنت مارشال دوگال موسوم به گلیسم و همراهی بیشتر و عمیق‌تر با ایالات متحده در دستور کار الیزه قرار گرفت. در راستای این خطمشی، دولت سارکوزی کوشید با بازتعریف روابط پاریس - واشنگتن که در دوره شیراک با چالش مواجه شده بود، به بهبود روابط دو سوی آتلانتیک بپردازد.

یادآوری این نکته ضرورت دارد که آیین گلیسم، سیاست خارجی فرانسه را در نیم‌سده‌ی اخیر، همواره مستقل از آمریکا و در برخی موارد در مخالفت و یا رقابت با آن قرار داده بود. نه فقط سیاستمداران و دولت‌مردان راست و میانه، بلکه حزب سوسیالیست و رهبران آن از جمله شخص فرانسوا میتران در همه‌ی دوره چهارده‌ساله‌ی

شروع دور جدید

فعالیت‌های

دیپلماتیک

نمایندگی می‌تواند

به نقطه عطف

جدیدی در روابط

ایران و فرانسه

تبدیل شود

